



بود که دین‌داری‌شان از روی ریا نبود. زندگی ساده‌ای داشتند و دین را برای دنیای‌شان نمی‌خواستند و در زندگی‌شان واجب‌خدا را انجام می‌دادند و حرام‌خدا را ترک می‌کردند.



معنای خلوص

«مشخصات‌ذکر و مداخل اهل بیت از نظر شما چیست؟»

یک بخشی از مشخصات برمی‌گردد به توانایی خواندن و حفظ مکتب و اشعار و این موارد که ظاهر کار است و البته مهم. یک بخشی هم که البته مهم‌تر است مربوط به این می‌شود که در کارشان دروغ نباشد. ذاکر و مداخل اهل بیت باید نیت پاک داشته باشند. به اموال مردم که برای دستگاه اهل بیت مقرر شده، چشم‌داشت ناروا نداشته باشند. به ناموس مردم که در مجالس مختلف شرکت می‌کنند بدچشمی نکنند. مداخل، ذاکر و سخنران باید خود را از مردم و بلکه کمترین آنها پانداوند. خود را باید خادم عزاداران حسینی بدانند. شخصیت بزرگواری مثل اشعخ عباس تربیتی اگر در مجلسی نشسته بود و حتی اگر طلبه‌ای جوان وارد مجلس می‌شد از منبر پایین می‌آمد و تعارف می‌کرد به آن طلبه که شما بفرمایید منبر و بیانات داشته باشید. من هم از این شیوه بزرگان درس گرفته‌ام. در مسجد حضرت رقیه (س) صندلی ویژه‌ای را برای من گذاشته‌اند و میکروفونی هست که معمولاً با آن در مناسبت‌های مختلف دینی می‌خوانم. به محضی که کسی که خواننده مذهبی است وارد می‌شود بلند می‌شوم و جایم را به آن شخص می‌دهم. هر چند علاقه‌مند دستگاه اهل بیت‌ام اما این دستگاه را برای خودم و در اختیار خودم نمی‌خواهم. مداخل و سخنران و ذاکر حسینی باید در خدمت دستگاه دینی باشند نه اینکه از آن برای خودش استفاده کنند.

«اشاره کردید که مداخلان و ذاکران در کارشان نباید دروغ باشد، ممکن است کمی بیشتر توضیح بدهید.»

یکی از مهمترین نکات در مجلس اهل بیت این است که دروغی گفته نشود. از هر چیزی

نمی‌شود استفاده کرد تا مردم را گریاند. باید حق را گفت، هر چه هست. نه کم کرده اضافه، به هر حال دروغ، دروغ است و آل محمد (ص) این چیزها را نمی‌پذیرند. باید بهترین و صحیح‌ترین نقل‌های تاریخی را یاد گرفت و بیان کرد.

اختراعات شخصی و زبان حال‌هایی که معلوم نیست چه قدر منطبق بر منطق اهل بیت باشد به کار نمی‌آید. روزی در مجلس آقای موید (شاعر معروف اهل بیت) بودم و کسی گفت: هلهله کردند سپاه یزید، آبروی حسین را بردند. من ناراحت شدم و مجلس را ترک کردم و قبلش گفتم مگر خدا مرده باشد که آبروی حسین (ع) برود! حسین آبروی خداست و خدا آبروی حسین (ع). این حرف‌ها که هلهله‌مشتی سپاهی نابکار یزید بتواند آبروی امام معصوم را ببرد چیست؟ باید مداخل به محتوای شعرش دقت داشته باشد. خوشبختانه شاعران فعلی دقت بیشتری دارند و سعی می‌کنند سطح بالاتری از شعرها را در این بخش بسرایند.



بین سره و ناسره تفاوت است

«به نظر تان بارزترین نشانه پامنبری و مداخل عاشق اهل بیت (ع) چیست؟»

کسی که عاشق است اصلاً نیاز به روضه و مرثیه ندارد. کافی است در مجلس عزانسته باشد و مداخل بگوید السلام علیک یا ابا عبد...، همین کافی است. اشک چنین آدمی ناگهان و بی اختیار سرازیر خواهد شد. در بین مسجیدی‌ها و بزرگان هم این را دیده‌ام که در همان کلمات اول روضه خوان حتی قبل از شروع روضه، آتش می‌گیرند و آب چشم‌هایشان گواه آتش درونی آنهاست. حالا این حالت فوق‌العاده‌عالی را مقایسه کنید با حالت فردی که می‌گوید باید مبلغ داخل پاکتم چه قدر باشد که بیایم بخوانم. چندی قبل شنیدم که کسی بر سر مزار هارم‌رثیه می‌خوانده و به صاحب‌عزا گفته اگر فلان قدر دیگر ندهی آبروی تان را در مجلس می‌برم؟ دین که اسباب گروگشی نیست. از چنین فردی هم نمی‌توان انتظار داشت

که مداحی و مجلسش آدم‌ساز باشد. باید مردم اینها را بشناسند و بین سره و ناسره تفاوت بگذارند.



عزاداری در این روزها

«وقتی بین عزاداری در دهه ۹۰ با سال‌های دوری که شما تازه وارد این کار شده بودید، مقایسه می‌کنید چه تفاوت‌هایی می‌بینید؟»

در مورد عزاداری امسال نمی‌توانم چیزی بگویم چون هنوز حتی دهه اول تمام نشده تا بتوانیم مقایسه کاملی انجام دهیم. اما به صورت کلی باید گفت عزاداری‌ها از زمانی که شیعه مذهب همه‌گیر ایران شد (دوره صفویه) همیشه پابرجا بوده است. بعد از انقلاب اسلامی، به برکت وجود امام خمینی (ره) و در این سال‌ها با عنایت مقام معظم رهبری، مراسم عزاداری رونقی چند برابر نسبت به قبل از انقلاب اسلامی داشته است. قبل از آن هم عزاداری بوده اما به سختی و با حداقل‌ها مجلس برگزار می‌شد. یاد می‌آید آقایی را که برای مداحی دعوت کرده بودیم در آشپزخانه جا دادیم تا شب‌ها بخوابد و بیش از این امکانات فراهم نبود.

«حال و هوای محله آزادشهر و امامت‌را در این سال‌ها چگونه دیده‌اید؟»

بحمد... مردم این منطقه مردمی دیندار هستند و هم در بخش‌نذری دادن و هم در بخش شرکت در مجالس مذهبی توفیق خوبی دارند. اجازه بدهید به سال‌های قبل برگردیم. آقای شریعتی تبار امام جماعت مسجد بودند و عده چندانی هم به نماز نمی‌آمدند. شبی بعد از نماز ایشان می‌خواستند از مسجد بروند که به ایشان گفتم چرا می‌خواهید بروید؟ امشب شب شهادت امام موسی بن جعفر (ع) است، لطفاً برای مان روضه بخوانید. امام جماعت محترم فرمودند: شما بخوان و ما گوش می‌دهیم و گریه می‌کنیم. از آن شب به بعد من این افتخار را دارم که مرثیه‌خوان مسجد رقیه (س) هستم. شنیدم پس از آن شب، مردم به هم خبر دادند که مداحی در شب‌های عزادار مسجد روضه‌خوانی

می‌کند و به همین علت، جماعت مسجدی‌ها و مشارکت‌شان در مسائل دینی محل بیشتر شد. حالا هر وقت که شما بروید، در مسجد جای خالی نمی‌بینید و باید متناسب نیازهای روز ظرفیت مسجد بیشتر شود.

«خاطرهای ویژه‌ای از مسجد حضرت رقیه (س) دارید؟»

حدود سال ۷۴ که به این مسجد آمدم، وضعیت فرش‌هایش خوب نبود و تقریباً مندرس شده بود. یک نفر آمد و گفت آقا اجازه می‌دهید امشب که شب جمعه است دعای کمیل بخوانم؟ گفتم نه! گفت چرا؟ گفتم آخر این چه وضعی است؟ فرش‌های مسجد آن قدر کهنه شده که پای نمازگزار را زخم می‌کند. باید به فکر آبادی مسجد باشیم. قرار شد صبح شنبه هیئت امنای بروند و از ایشان و بقیه پول جمع کنند و فرش بخریم. آن زمان بیش از هشت میلیون تومان پول جمع شد. فرش خریداری شد و کسی از هیئت امنای گفته بود که این فرش‌ها مناسب نیست، چرا که اینها زمینه قرمز زیادی دارند. نمی‌دانم چه شخصی بر زبان من این جمله را گذاشت که گفتم نه، اتفاقاً همین‌ها خوب است. فرش مسجدی که به نام نازدانه‌ی سه‌ساله امام حسین (ع) مزین است باید شاد و قرمز باشد. (پیرمرد سخت‌منقلب می‌شود و می‌گرید) حتی طبقه بالای مسجد را هم فرش کردیم. گفته بودم اگر پول کم آمد زمینی که دارم را خواهم فروخت، باید مسجد دختر امام حسین (ع)، شیک و مرتب باشد.



تقاضا از نسل جوان

«حرف آخرتان برای کسانی که این گفت‌وگو را در هفته‌نامه شهر آرامحله می‌خوانند، چیست؟»

من فرد کوچکی از این دستگاه پرشور حسینی‌ام. به نوبه خودم از همه مردم به خصوص جوان‌ها می‌خواهم که در برنامه‌های عزاداری اهل بیت (ع) و همچنین اعیاد دینی، برنامه‌های مذهبی رابه‌بهترین شکل ممکن برپا کنند. این مجالس از همین شورها آغاز شده و قرن‌ها ادامه یافته است. باید هر کدام از ماسهم خودمان را در این مراسم‌ها داشته باشیم.



یکی از مهمترین نکات در مجلس اهل بیت این است که دروغی گفته نشود. از هر چیزی نمی‌شود استفاده کرد تا مردم را گریاند. باید حق را گفت، هر چه هست. نه کم کرده اضافه، به هر حال دروغ، دروغ است و آل محمد (ص) این چیزها را نمی‌پذیرند

